



کارکردهای اخلاقی و تربیتی دعا از منظر نهج البلاغه و صحیفه سجاده

بتول ریسمانکارزاده^۱؛ معصومه عابدین^۲؛ سیدعباس خلیقی‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

چکیده

در فرهنگ اسلامی، دعا و راز و نیاز با خداوند به عنوان برترین نوع عبادت و بالاترین سطح از رابطه بنده با معبود، معرفی شده است. الگو قراردادن پیامبران الهی، امامان و پیشوایان بر حق در این زمینه، نتایج مثبت فراوانی در زندگی انسان به همراه دارد. دعاها و کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه و دعاهای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده از نمونه‌های عالی برای دستیابی به این مقصود به‌شمار می‌رود. پژوهش کتابخانه‌ای حاضر به منظور بررسی کارکردهای اخلاقی و تربیتی دعا از منظر آموزه‌های نهج البلاغه و صحیفه سجاده به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است و نتایج حاصل نشان می‌دهد که دعا کلیدی برای گشودن گره‌ها در مسیر رشد اخلاقی و تربیتی انسان است و ابعاد وجودی آدمی را به تعالی می‌رساند.

کلیدواژگان: دعا، اخلاق، تربیت، نهج البلاغه، صحیفه سجاده

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران؛ taranom.jan20@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران؛ 33abedin@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی اسلامی، دانشگاه معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛ khalighipour@gmail.com



مقدمه

بهترین عبادت انسان، دعاست و آدمی با دعا درخواست حاجت‌هایش را از خداوند می‌نماید. حوادث، ناخوشی‌ها و بیماری‌ها در هر دوره زمانی به گونه‌ای زندگی بشر را با تلخ‌کامی مواجه کرده، در این هنگام است که دعا بزرگترین لطف الهی بر بنده است و سرچشمه خیرات و توجهات حضرت حق بر آدمیان است. دعا، «مغز عبادت» و «لباس افتخار» پارسایان در دنیا و دلباختگان در آخرت است. دعا، جوشش درون انسان است که بر قلب و زبانش جاری می‌شود و با آن می‌توان جهانی را دگرگون ساخت. باشکوه‌ترین حالت انسان در لحظه دعا و نیایش به منصفه ظهور می‌رسد، زمانی که او خاضعانه و خاشعانه در محضر معبود خود اظهار عجز و ناتوانی می‌کند و از او یاری می‌طلبد و بدین طریق از همه تعلقات مادی و دنیوی رها می‌شود و در آستان او سر به سجده می‌نهد و «فردیت» خود را به کناری می‌نهد تا به «لوهیت» برسد و اینجاست که اوج بندگی جلوه‌گر می‌شود. در این راستا دعا‌های تأثیرگذار و مهمی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که مصداق بارز آن را در نهج/البلاغه و صحیفه سجادیه می‌توان یافت. دعا‌هایی در خصوص تربیت، شکرگزاری، توفیق عبادت و بندگی که در ادامه به اختصار بدان‌ها خواهیم پرداخت.

واژه دعا از «دعو» گرفته شده و به معنای آن است که انسان به کمک صدا و کلام، چیزی را متوجه خود سازد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۵۸). در معنای اصطلاحی دعا، مفهوم لغوی آن یعنی درخواست و طلب لحاظ شده است. بر این اساس می‌توان گفت: دعا در اصطلاح شرعی به معنای روی آوردن به خداوند و درخواست از او با حالت خضوع و کرنش است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۵). هنگامی که فرد به آیات قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کند، متوجه می‌شود که رابطه عمیقی بین ایمان و آرامش روانی و ارتباط با خداوند (دعا و نیایش) برقرار است. دعا دارای جایگاه بسیار والایی در قرآن کریم است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم» (طه/۱۲۴).

دعا یک نوع خودآگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند به مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست و باید از این عامل سازنده و تجلی‌بخش، بالاترین و بیشترین بهره‌برداری را کرد و تمام ابعاد و زوایای آثار ارزنده دعا و مناجات را شناخت. دعا در بازسازی شخصیت و شیوه زندگی فرد، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند (اسمعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۸). دعا از جمله اعمالی است که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با عبودیت یعنی هدف نهایی خلقت بشر، ارتباط عمیق و گسترده‌ای دارد و حتی می‌تواند امری را که مقدر شده، تغییر دهد. آیات متعددی، کارکردهای



مختلف دعا و آثار گسترده آن در زندگی را به خوبی تبیین می‌کنند؛ «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)» (بقره/ ۱۸۶). در کلام اهل بیت علیهم‌السلام نیز دعا واقعیتی است که هر کس بر آن تکیه کند، هلاک نمی‌شود؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ادفعوا أمواج البلاء عنكم بالدعاء قبل ورود البلاء، فوالذي فلق الحبة و برأ النسمة، للبلاء أسرع إلى المؤمن من انحدار السيل من أعلى التلعة إلى أسفلها، و من ركض البراذين؛ موج‌های بلا را پیش از آنکه بلا سر برسد، از خود دفع کنید؛ سوگند به آنکه دانه را شکافت و مردمان را بیافرید، شتاب بلا به سوی مؤمن بیشتر است تا شتاب سیلاب از فراز تپه به پایین آن» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۲۱).

بنابراین انسان در تمامی مراحل زندگی خویش، نیازمند بهره‌گیری از اسلحه دعا در مقابل آفات، بلاها و آسیب‌های زمانه است، لذا با درخواست کمک از خداوند، همواره خواهان یاری و حمایت همه‌جانبه اوست و از او در حل مشکلات و مسائل خویش، طلب چاره می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی با هدف بررسی کارکردهای اخلاقی و تربیتی دعا با تکیه بر دو کتاب ارزشمند نهج البلاغه و صحیفه سجاده انجام شده است.

به عنوان پیشینه پژوهش می‌توان گفت پژوهش‌های متعددی در زمینه کارکردهای اخلاقی و تربیتی دعا از منظر آموزه‌های دینی صورت گرفته است که اهم از آنها عبارتند از:

ابراهیمی (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «جلوه‌های عرفانی دعا در صحیفه سجاده» نشان داد که مفهوم دعا یک مفهوم ثابت نیست، بلکه دارای مراتب مختلفی است. جلوه‌های زیبایی‌شناختی دعا در این مراتب، متفاوت است که در متون دینی به آن توجه شده است. دعاها و مناجات‌های صحیفه سجاده در این زمینه یک منبع بسیار غنی به شمار می‌رود.

مرزوقی (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «انسان و تربیت از منظر صحیفه سجاده» نشان داد که رویکرد اساسی تربیت از منظر صحیفه سجاده، خدایی‌شدن، با خدا بودن و رو به سوی او داشتن است. از این‌رو لازم است که برنامه‌های آموزشی بر اساس مؤلفه‌ها و تعالیم تربیت عرفانی امام سجاد علیه‌السلام و با توجه به مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی مورد بازنگری قرار گیرند.

بشیر و مؤذن (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «الگوی ارتباطی - فرهنگی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی با تأکید بر ادعیه صحیفه سجاده» که با روش تحلیل مضمون انجام شده نشان دادند که دعا در فرهنگ اسلامی معنایی متفاوت و عمیق‌تر در مقایسه با سایر ادیان دارد. دعا در



اسلام، ابزار مؤثری برای تعلیم و تربیت است و امامان شیعه به ویژه امام سجاد (ع) از دعا در حرکت تبلیغی خود بهره برده‌اند و توانسته‌اند اهداف عالیه امامت را با استفاده آگاهانه و عامدانه از دعا در مسیر مبارزه، در اختیار مردم قرار دهند. در این مقاله تلاش شده ابعاد دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی در قالب سطوح ارتباطاتی مطرح شود و همزمان ابعاد عرفانی و فلسفی دعا نیز در نظر گرفته شود.

حافظی و میرزایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اسلوب و فلسفه دعا از منظر نهج البلاغه» به روش توصیفی - تحلیلی نشان دادند که دعا از منظر امام علی (ع) نوعی عبادت به‌شمار می‌رود و لازم است همراه با اخلاص، توکل، کار و تلاش باشد. بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه، دعا و درخواست از درگاه الهی با اهدافی همچون دفع بلا، اجابت حوائج، قرب به پروردگار متعال و ایجاد آرامش، انجام می‌شود که معرفت نسبت به آنها می‌تواند زمینه تشویق و تحریک بندگان به سوی دعا و ارتباط صحیح با حضرت حق را فراهم نماید.

افراسیابی و مولوی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش دعا در بحران‌های اخلاقی انسان معاصر با تکیه بر معارف صحیفه سجادیه» نشان دادند که دعا از انواع عبادات است و مهم‌ترین خصوصیتش این است که انسان توفیق پیدا می‌کند از طریق آن به خودشناسی برسد و از آثار آن بازدارندگی از ادامه معصیت است. دعا در حقیقت، مکمل عمل بنده است و خود نوعی تلاش محسوب می‌شود؛ از این‌رو آدمی باید هم با اسباب مادی تلاش خود را برای دستیابی به هدف به کار ببندد و هم با دعا به درگاه الهی، خواهان تأثیر تلاش خود و تفضل بهترین مصلحت از جانب خدا باشد.

اسمعیلی، کرمی‌نیا و صرامی فروشانی (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی تجربه دعا و مناجات در قرآن» که به روش تحلیل کیفی سامان یافته بیان کردند که بررسی مضامین روان‌شناختی و تربیتی در دعا‌های قرآنی، نشان از وسعت و عمق مفهومی و محتوایی درخواست‌هایی دارد که در قالب دعا توسط بنده به درگاه خداوند عرضه می‌شود. از منظر روان‌شناختی، دعا هم جنبه شناختی دارد، هم جنبه‌های عاطفی و رفتاری. به عبارتی می‌توان گفت دعا یک برنامه هدفمند برای زندگی انسان است که در آن به همه عواملی که منجر به موفقیت و تنظیم رفتار و تکامل انسان می‌شود، اشاره شده است. بهره‌گیری از قرآن و ارائه راهکارهای تربیتی و بررسی اثرات روان‌شناختی می‌تواند در زمینه آموزش و پرورش و مشاوره تأثیر زیادی داشته باشد. همچنین شناساندن دعا و نیایش به نسل جوان و اثرات آن در زندگی، می‌تواند راهگشای روش‌های تربیتی در حیطه دین باشد.



وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور در این است که پژوهشگران در این نوشتار، هر دو جنبه اخلاقی و تربیتی کارکردهای دعا را مورد مطالعه قرار داده‌اند و هر دو کتاب ارزشمند نهج البلاغه و صحیفه سجاده را محور بررسی قرار داده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

- اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» به معنای سرشت و سجیه به کار رفته است، اعم از اینکه سجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد، مانند: جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد، مانند: فرومایگی و بزدلی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). اخلاق در لغت به معنای خوی‌هاست (دهخدا، ۱۳۹۵: ۵/۱۵۲۵) و در اصطلاح، علم اخلاق، معانی و کاربردهای متفاوتی دارد. بعضی اخلاق را به معنای صفات پایدار در نفس دانسته‌اند که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل می‌شود. عده دیگری اخلاق را هرگونه صفت نفسانی می‌دانند که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ خواه آن صفت نفسانی به‌صورت پایدار باشد و خواه ناپایدار و چه از روی فکر حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل سرزند. گاهی نیز واژه اخلاق صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی به کار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۲). در علم اخلاق معمولاً کاربرد نخست به عنوان تعریف اخلاق ارائه می‌گردد.

- تربیت

تربیت از ریشه «ربو» به معنای فزونی و نمو است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۵/۱۲۶). تربیت در لغت یعنی اضافه و زیاد نمودن و رشد و نمو دادن. جنبه کاربردی مفهوم لغوی تربیت، یعنی هر روز چیزی اضافه شود و در بعد غیر جسم و درون، زیاد نمودن خصوصیات انسانی است. معنای اصطلاحی تربیت در مورد انسان به کار می‌رود و آن رشد، نمو و پرورش نهادهای درونی و رفتارهای انسان است (مشکاتی، ۱۳۹۸: ۲۰).

اسلام در دو مرحله به طور مشخص به تربیت انسان توجه دارد: پیش از بلوغ و پس از بلوغ. تربیت در سنین پیش از بلوغ به‌طور عمده به عهده اولیای تربیتی نظیر والدین و معلمان است و عمده توصیه‌ها و نصایح دینی، خطاب به این افراد است. پس از رسیدن فرد به بلوغ، وضعیت تغییر می‌کند و این خود فرد است که باید برای تربیت روانی و دینی خود اهتمام داشته باشد. در این سنین رعایت احکام دین بر هر فردی واجب می‌شود و نوجوان تازه بلوغ یافته، خود را موظف و مکلف به انجام آداب و احکامی می‌بیند که ممکن است تا اندازه‌ای دشوار جلوه کند (پژوهنده و دروگر، ۱۳۹۲: ۸۹).

**- دعا**

«دعا» عبارت است از پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌ها و این پیوند باید بر اساس یک نوع خودآگاهی و بیداری اندیشه و دل باشد؛ یعنی اول انسان از غفلت خارج شود تا آنگاه به مرتبه دعای حقیقی برسد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۲: ۶۴۳۱). از این‌رو امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ؛ خداوند دعای غافل‌دلان را مستجب نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳: ۹۲).

در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنانکه در مورد حقیقت دعا باید گفت خواستن چیزی است به وسیله موجود پست‌تر از موجود برتر به جهت فروتنی و درماندگی (ملکی تبریزی، ۱۳۶۲: ۱۳۹) و در خصوص خداوند، عبارت «موجود برتر» نفی شده و عبارت «وجود برتر» آمده است (شبستری، ۱۳۸۲: ۳۲).

- نهج البلاغه

نهج البلاغه گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی (ع) است که توسط سید-رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری جمع‌آوری شد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغت، به عنوان اخ القرآن (برادر قرآن) نامگذاری شده است و شامل سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار می‌شود. حضرت (ع) در بسیاری از خطبه‌ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت نموده و در بخشی از نامه‌ها که خطاب به فرمانداران ایشان است، آنها را به رعایت حق مردم سفارش کرده است. بخش اول نهج البلاغه مشتمل بر ۲۴۱ خطبه است و بخش دوم یعنی نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) شامل ۷۹ قسمت می‌باشد که از ۶۳ نامه، ۱۲ وصیت‌نامه، سفارش و بخش‌نامه، دو فرمان، یک دعا و یک پیمان‌نامه تشکیل شده است. بخش سوم را نیز ۴۸۰ کلمه قصار تشکیل داده است. خطبه‌های امام علی (ع) دایره‌المعارفی از فرهنگ اسلامی و مشتمل بر موضوعاتی چون خداشناسی، شناخت جهان، پیدایش عالم، طبیعت انسان، امت‌ها و حکومت‌های نیکوکار و ستمکار است. خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) بیشتر رویکرد اعتقادی و تربیتی و اخلاقی دارد؛ گرچه همه دعاها، گفتارها و کردارهای ایشان از اعتقادات یقینی، معرفتی و اخلاقی والا ریشه گرفته است.

- صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه کتابی است دربرگیرنده دعا‌هایی که امام سجاد (ع) به امام محمدباقر (ع) و زید بن علی املاء کرده‌اند. این کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه، مهم‌ترین میراث مکتوب شیعه به‌شمار می‌آید و با نام‌هایی چون «خواهر قرآن» و «انجیل اهل بیت (ع)» شناخته می‌شود. صحیفه سجادیه، نخست در قالب ۷۵ دعا بیان شده، اما برخی از دعا‌های آن در دوره‌های بعدی



از بین رفته و تنها ۵۴ دعا از آن باقی ماندند است. صحیفه سجاده مبدع نوعی انسان‌شناسی است که در آن انسان، لحظه‌ای از دایره فیض و عنایت الهی جدا و خارج نمی‌گردد. به همین دلیل امام سجاده علیه السلام به احساس حضور، عنایت و فیض مداوم الهی توجه ویژه و فراگیر دارد، به گونه‌ای که این احساس را در همه حالات خویش همچون مصائب، خوشی‌ها و تمامی لحظات و سکنت آدمی همراه و جویاست (حسینی تهرانی، ۱۴۲۲ق: ۱۵/ ۱۸۰).

۲. جایگاه اخلاق و تربیت در زندگی انسان

با توجه به ذوابعد بودن انسان، تربیت نیز که از اهم مسائل بشری است از ابعاد گوناگون اخلاقی، دینی، عاطفی، جسمی، اجتماعی و... برخوردار است. دین مبین اسلام نیز به این مهم پرداخته و سرشار از مضامین تربیتی و اخلاقی برای رشد انسان‌هاست. خداوند برای هدایت بشر و تربیت او، قرآن و اولیای الهی را فرو فرستاده تا نشان‌دهنده راه درست و غلط به انسان باشند (جلائی نوبری، ۱۴۰۱: ۱۲).

از آنجایی که روابط سالم اجتماعی و مناسبات معتدل و عاطفی بر پایه کرامت انسان و توأم با عدالت و انصاف، تأثیری سازنده بر تربیت بشر دارد و روابط ناسالم و مناسبات غیرمعتدل برخاسته از افراط و تفریط بر پایه حقارت انسان و توأم با ستمگری و تبعیض، تأثیری مخرب بر تربیت افراد دارد؛ می‌توان گفت سلامت دین و دنیای مردم به سلامت اجتماع بستگی دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۲). به عبارت دیگر، تربیت افراد جز با اهتمام به تربیت اجتماع و ایجاد تحولات در جهت اهداف تربیتی به درستی ممکن و میسر نیست؛ چرا که زمینه بسیاری از کجروی‌ها، انحرافات، ناسازگاری‌ها و انحطاط‌های اخلاقی که در سطح وسیع روزگار حال و آینده نسل بشر را تهدید می‌کند، حاصل اجتماع و محیط ناسالم است.

در تعالیم دینی و سیره اهل بیت علیهم السلام بسیاری از نکات تربیتی و اخلاقی، حتی جزئی‌ترین آنها مورد توجه و تذکر قرار گرفته است که موجبات سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را فراهم می‌سازد. با رجوع به احادیث و سخنان و سیره پیشوایان دین می‌توان اذعان داشت الگویی که اسلام برای نیل به این هدف ارائه نموده، مبتنی بر کرامت اکتسابی انسان است که در این مجال، مفاهیم اخلاقی و تربیتی با الهام از کلام مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه و امام زین‌العابدین علیه السلام در صحیفه سجاده مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳. اخلاق و تربیت در نهج البلاغه و صحیفه سجاده

بخش عظیمی از تعالیم انسان‌ساز انبیاء علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام را اخلاق و تربیت تشکیل داده است که برای تربیت نفوس مستعد می‌تواند چراغ راه بوده و کمال انسانی را در دنیا و آخرت به



دنبال داشته باشد. اسلام حتی برای پیش از زمان انعقاد نطفه یا دوران جنینی و تمام دوران زندگی افراد برنامه جامع و کامل هدایتی دارد و دارای غنی‌ترین منابع تربیتی است (جلالی نوبری، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۰).

در نامه ۳۱ نهج البلاغه که امام علی (ع) خطاب به فرزندان امام حسن (ع) نوشته‌اند، در واقع امام (ع) خود را به جای تمام پدران عالم قرار داده و خطابشان نیز به تمام فرزندان عالم است. در این نامه با محور تربیتی به نکات مهمی از جمله تقوا، موعظه، یقین، زهد، صبر، ادب، خشوع، توحید، انصاف اشاره شده است (همان، ۱۲)؛ چنان که حضرت (ع) در فرازی از این نامه می‌فرماید: «فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ - أَيُّ بَنِي - وَلِزُومِ أَمْرِهِ، وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَالْأَعْصَامِ بِحَبْلِهِ، وَ أَى سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ؟» پسر من همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست اگر سر رشته آن را در دست گیری؟» در اینجا، سفارش اول حضرت (ع) به تقواست، چون تقوا جامع تمام فضایل و مانع تمام رذایل است. در فرازهای دیگری نیز می‌فرماید: «وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرَ يَبْدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَإَيِّنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنِّمْ وَ خُضْ الْعِمْرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ وَ تَفَقَّهِ فِي الدِّينِ وَ عَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ وَ أَلْجِئُ نَفْسَكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيْزٍ وَ مَانِعٍ عَزِيزٍ وَ أَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ يَدَهُ الْعَطَاءُ وَ الْحَرَمَانُ وَ أَكْثَرُ الْأَسْتِخَارَةِ وَ تَفْهَمُ وَصِيَّتِي وَ لَا تَذْهَبَنَّ عَنْهَا صَفْحًا فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ لَا يَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعْلُمُهُ؛ به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق عادت‌ی پسندیده است، در تمام کارها خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای، در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست، و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. وصیت مرا به درستی دریاب و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد، بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد».



همچنین امیرمؤمنان (ع) در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَيْدًا بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است، از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (همان، حکمت ۷۳).

در صحیفه سجاده نیز ویژگی‌ها و کمال انسانی در داشتن صفاتی همچون دانش، بردباری، صبر، بخشندگی، شجاعت و محبت به مردم با ایمان خلاصه شده است؛ چنانکه حضرت سجاد (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَلَنِي، بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمَخَالِقَةِ، وَ السَّيْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِيْنَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ؛ بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به زیور شایستگان بیارای، و زینت اهل تقوا را در این امور بر من بپوشان: در گستردن سفره عدل، فرو خوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکندگان، اصلاح بین مردم، آشکار نمودن کارهای خوب، پوشاندن عیوب، نرم‌خویی، فروتنی، خوش‌رفتاری، وقار، حسن معاشرت، سبقت‌جویی به فضیلت، اختیار کردن تفضُّل بر دیگران، چشم‌پوشی از سرزنش دیگران، بخشش رایگان به غیرمستحق، گفتن سخن حق هر چند سنگین و گران باشد، ناچیز دانستن نیکی در گفتار و رفتار هر چند زیاد باشد، بسیار شمردن شر در گفتار و رفتار هرچند اندک باشد و همه این خصلت‌ها را به‌وسیله تداوم اطاعت، همراهی با جماعت مسلمین و فرو گذاشتن اهل بدعت و عمل‌کننده به رأی ساختگی در دین، کامل ساز» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

از نظر امام سجاد (ع) تزکیه، زمینه‌ساز کسب فیض هدایت الهی است. به طور کلی موانع رشد و هدایت انسان از منظر صحیفه سجاده اموری همچون حرص، غضب، حسد، کم‌صبری، عدم قناعت، بدخویی، زیاده‌روی در شهوت، غلبه تعصب‌ها، پیروی هوس، سرپیچی از هدایت، غفلت، پافشاری بر گناه، کوچک شمردن معصیت، بزرگ داشتن طاعت، تحقیر نیازمندان، پشتیبانی از ستمگران، رها کردن ستم‌دیدگان، بدون آگاهی سخن گفتن و آرزوهای دور و دراز است؛ چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَ أَذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا،



وَسَرِّبْنِي بِسِرِّبَالٍ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّنِي رِداءَ مُعَافَاَتِكَ، وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَاتِكَ، وَظَاهِرُ لَدَى فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ، وَ
أَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَةِ، وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي
وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ؛ وَمَرَازِ أَلُودِغِي گناه پاک کن، پلیدی خطاها را از من ببر، لباس عافیت
خود را بر من بپوشان، ردای سلامت را بر دوشم افکن، خلعت نعمت‌های فراوان و کاملت را بر
تنم کن، احسان و نعمت خود را بر من پیاپی ساز، به توفیق و ارشادات تأییدم فرما، بر نیت شایسته
و کلام پسندیده و کار نیک یاریم ده و به جای حول و قوه خودت مرا به حول و قوه خودم
وامگذار» (همان/ دعای ۴۷) و در فراز دیگری می‌فرماید: «وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَا تَهْتَبِي عَمَّا
عِنْدَكَ، وَتَصُدِّعَنْ ابْتِغَاءَ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلْ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ وَاز سويدای قلبم عشق دنیای دون
را که مرا از آنچه نزد توست باز می‌دارد و از جستن وسیله به سوی تو مانع می‌گردد و از تحصیل
مقام قرب به تو غافل می‌نماید، ریشه کن فرما» (همان).

همچنین برخی دیگر از موانع تعالی و رشد انسان در صحیفه چنین مطرح شده است: «اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَفِّنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدَا عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا
خَلَقْتَنِي لَهُ، وَاعْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تَقْتِنِي بِالظَّنِّ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ وَ
لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَأَجِرْ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرَ وَلَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالي الْأَخْلَاقِ، وَأَعْصِمْنِي
مِنَ الْفَخْرِ؛ بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و گره هر کاری که فکرش مرا به خود مشغول
داشته بگشای، مرا در کاری قرار ده که فردا مرا از آن بازپرسی می‌کنی، روزگارم را در آنچه از پی
آنم آفریده‌ای مصروف دار، بی‌نیازم گردان و روزیت را بر من وسعت ده، به چشم داشت مبتلایم مکن،
ارجمندم ساز و گرفتار کبرم مفرما، بر بندگیت رامم ساز، بندگی‌ام را به آلودگی خودپسندی تباه
مکن، خیر و نیکی را برای تمام مردم به دست من جاری ساز، آن را از کدورت منت‌گذاری دور دار،
خوی عالی را به من عنایت فرما و از فخرفروشی محافظتم کن» (همان، دعای ۲۰).

در فرازهای دیگری نیز حضرت زین‌العابدین (علیه السلام) می‌فرماید: «إِلَهِي هِدِّيتَنِي فَلَهْوَتُ، وَوَعَّظْتَ
فَقَسَوْتُ، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلَّتْ، فَعُدْتُ فَسُتِرْتُ، فَلَكَ
إِلَهِي الْحَمْدُ؛ بار الها هدایت‌م فرمودی ولی به کارهای پوچ پرداختم، پندم دادی اما سنگدل شدم،
بهترین نعمت را به من دادی و نافرمانی کردم، سپس به زشتی گناه آگاهم فرمودی و از آنم
بازداشتی و من از آن آگاه شدم، پس از تو آمرزش خواستم و از من درگذشتی، ولی به گناه
بازگشتم و تو پوشاندی، پس ستایش تو را است ای خدای من» (همان، دعای ۴۹). همچنین



می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ! بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهُدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لَدَيْنِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ. سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ؛ پاکی تو، دست قدرتت را به خوبی‌ها گشوده‌ای، هدایت از جانب تو شناخته شده، پس هر کس تو را برای دین یا دنیا بخواهد تو را می‌یابد. پاک و منزهی، هر که در عرصه علم تو قرار گرفته در پیشگاه خاضع، هر چه در زیر عرش توست در مقابل بزرگیت خاشع و همه مخلوقات در پیشگاه تو ریسمان تسلیم به گردن انداخته‌اند».

مطالب مذکور بر اهمیت تربیت انسان‌ساز بر پایه فرآیندی مستمر از هدایت، تقوا و تهذیب نفس در پرتو تعالیم دینی تأکید دارد و جایگاه عالی اخلاق و تربیت را در سیر کمال انسانی در دنیا و آخرت نشان می‌دهد. همچنین برنامه‌ای جامع و هماهنگ را از ابتدای زندگی فرد تا پایان آن ارائه می‌کند که محوریت آن بر تقوا، به عنوان جامع‌ترین دستور اخلاقی، استوار است. تقوا بستری برای تمامی فضایل و مانعی در برابر رذایل معرفی می‌شود که با توکل، ذکر خدا و ارتباط مستمر با او، مسیر درست زندگی و مواجهه مؤثر با چالش‌ها را برای انسان فراهم می‌سازد. تحلیل فرازها نشان می‌دهد که تربیت مؤثر نیازمند تطبیق علم با عمل، تطهیر درون و دفع موانع درونی مانند خودپسندی، منت‌گذاری و تکبر است و این فرآیند نیازمند دعا و استغفار مستمر است تا نفس در مسیر توحید و تسلیم به خدا قرار گیرد. به طور کلی، این نگرش تربیتی مجموعه‌ای از مراحل است که از تقوا آغاز می‌شود، با عمل صالح و تهذیب نیت ادامه می‌یابد و در نهایت به مقام تسلیم و توحید کامل می‌رسد و در حالی که هدایت الهی همواره فعال و در دسترس است، فرصت توبه و بازگشت را فراهم می‌آورد.

۴. شکرگزاری و کارکردهای اخلاقی و تربیتی آن در نهج البلاغه و صحیفه سجاده

شکرگزاری والاترین نشانه بندگی است و نهایت آرامش و خرسندی را برای انسان‌ها در همه ادیان، ملیت‌ها، نژادها و در همه حال و زمان و مکان به ارمغان می‌آورد؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْحَمْدُ شُكْرٌ لِلْإِنْعَامِ، وَ اسْتِعِينَهُ عَلَى وَظَائِفِ حَقُوقِهِ، عَزِيزُ الْجُنْدِ، عَظِيمُ الْمَجْدِ؛ خدا را برابر نعمت‌هایش شکرگزارم و بر انجام حقوق الهی از او یاری می‌طلبم، پروردگاری که سپاهش نیرومند و مقام او بزرگ است» (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۰). همچنین می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ بَادِرُوا أَعْمَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَ اتَّبِعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جَدَّ بِكُمْ وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَمَكُمْ، وَ كُونُوا قَوْمًا صَبِيحَ يَوْمٍ فَانْتَبَهُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدَّلُوا، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى؛ ای بندگان خدا! تقوا پیشه کنید، با اعمال نیکو به استقبال أجل بروید، با چیزهای



فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان می‌ماند، خریداری کنید. از دنیا کوچ کنید که برای کوچ دادن‌تان تلاش می‌کنند. آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی باشید که بر آن‌ها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند. خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشته است» (همان، خطبه ۶۴).

از این دو دعا می‌توان به نتایج زیر رهنمون شد:

- بندگان باید توفیق عبادت خداوند و اطاعت از رسول خدا ﷺ و شکر نعمت‌ها و مغفرت از گناهان و خوشبختی در جهان آخرت را از خود او درخواست کنند و در این موارد دعا کنند.
- اطاعت از رسول خدا ﷺ در راستای اطاعت و اطاعت از خداوند است.
- بندگان بر حق خداوند، پیوسته شکرگزار نعمت‌ها و در حال عبادت او هستند و از همین رو در جهان آخرت نیز خوشبخت و سعادتمند خواهند بود.
- دعا‌های مهم و کلی باید به ساختار جمع باشد و دعاکننده می‌تواند خود را با دعاشوندگان همراه سازد (خویی، ۴۱۸ق: ۲۱۳).

معنای شکرگزاری از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه چنین آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ بَقَضَائِكَ نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقْرَ مَعَهَا بِأَنْ قَضَاءَكَ لَمْ يَجِرْ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي؛ بار الهی بر محمد و آلش درود فرست، مرا به قضایات دل‌خوش کن، سینه‌ام را به موارد حکمت گشاده فرما، به من اطمینان ده که به سبب آن اقرار کنم که قضای تو جز به آنچه خیر است روان نشده و شکرم را بر آنچه از من باز داشته‌ای، افزون‌تر از شکرم بر آنچه به من عنایت کردی قرار ده» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۵). همچنین حضرت (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا؛ خداوند کسی در مسأله شکر به حدی نمی‌رسد مگر آنکه احسان دیگر تو او را به شکری دیگر ملزم می‌کند» (همان، دعای ۳۷).

امام سجاد (ع) در فرازی از دعاهايشان می‌فرماید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَآلِهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرَبُّوبِيَّتِهِ وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشُّكِّ فِي أَمْرِهِ؛ سپاس خدای را بر آنچه از وجود مبارکش به ما شناسانده و بر آنچه از شکرش به ما الهام فرموده و بر آن درهای دانش که به پروردگاری‌اش بر ما گشوده و بر اخلاص‌ورزی در توحید و یگانگی‌اش ما را رهنمون شده و قلب ما را از الحاد و شک در کار خودش دور داشته است» (همان، دعای ۱).



با توجه به آنچه بیان شد مشخص می‌شود که شکرگزاری نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه بنیانی فکری و عملیاتی در حیات دینی است که هدف نهایی آن، عبادت و رسیدن به آرامش وجودی است. مفهوم شکر، از سپاس نعمت‌ها به پذیرش قضا و قدر الهی تسری می‌یابد، به طوری که فرد را مطمئن می‌سازد هر قضا و قدری به عنوان بخشی از تدبیر الهی است و همین امر اساس آرامش و خرسندی واقعی را فراهم می‌کند. شکر نیز به مثابه نعمتی الهی می‌باشد، زیرا توانایی سپاسگزاری، هدیه‌ای از سوی خداوند است و هر چه انسان به غایت شکر نزدیک‌تر شود، برکات بیشتری از سمت خدا دریافت می‌کند و این روند، چرخه‌ای بی‌پایان و رشدآفرین از احسان و شکر را شکل می‌دهد که فرد را در ارتباطی دائم و معنوی با خالق قرار می‌دهد. بنابراین شکرگزاری در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، فراتر از یک وظیفه صرف، به عنوان مسیر نهایی و عنصر کلیدی در تقرب و آرامش انسان مطرح است و تحقق آن مستلزم درک عمیق‌تر از رابطه انسان با خدا و پذیرش کامل قضا و قدر الهی است.

۵. توبه و اعتذار و کارکردهای اخلاقی و تربیتی آن در نهج البلاغه و صحیفه سجاده

حقیقت توبه بازگشت توأم با اراده به سوی خداست. این مفهوم در صورتی که به شخص گنهکاری نسبت داده شود، به معنی بازگشت از گناه است؛ لیکن وقتی به خدا نسبت داده شود، به معنی بازگشت به رحمت است؛ همان رحمتی که به خاطر ارتکاب گناه از گنهکار سلب شده بود و پس از بازگشت او به خط عبادت و بندگی، به او بازمی‌گردد و به همین دلیل یکی از نام‌های خدا، «تَوَّاب» یا بسیار توبه‌پذیر است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۲: ۵۹). «توبه و اعتذار» در تربیت دینی ما از جایگاه والایی برخوردار است؛ چرا که موجب پالایش روان، خودآگاهی، تزکیه نفس، آگاهی به ضعف و نادانی‌ها و دوری از غم می‌گردد؛ اعتذار و توبه‌ای که به خودشناسی، تزکیه، تعالی، کمال و تقرب الهی آدمی می‌انجامد و در پالایش و زدودن موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان، نقش اساسی دارد. حضرت علی علیه‌السلام پیرامون توبه و اعتذار در وصیت به فرزندشان امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: «وَلَمْ يَشْدَدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ وَ لَمْ يُنَاقَشْكَ بِالْجَرِيْمَةِ وَ لَمْ يُؤْيَسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً وَ حَسَبَ سَيِّئَتِكَ وَاحِدَةً وَ حَسَبَ حَسَنَتِكَ عَشْرًا وَ فَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ وَ بَابَ الْإِسْتِعْتَابِ» در صورت ارتکاب گناه در توبه را مسدود نکرده است، در کیفر تو شتاب نداشته و در توبه و بازگشت، بر تو عیب نگرفته است. در آنجا که رسوایی سزاوار توست، رسوا نساخته و برای بازگشت به خویش شرایط سنگینی مطرح نکرده است. در گناهان تو را به محاکمه نکشیده و از رحمت خویش ناامیدت نکرده است، بلکه بازگشت تو را از گناهان نیکی



شمرده است. هر گناه تو را یکی و هر نیکی تو را ده به حساب آورده و راه بازگشت و توبه را به روی تو گشوده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

اهمیت توبه برای امام سجاد علیه السلام به گونه‌ای است که می‌توان گفت صحیفه سجادیه «فرهنگ توبه و اعتذار» است. ایشان در فرازی از دعاها می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمْتُ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَ مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَذِرُ إِلَى فَلَمْ أَعْذِرْهُ، وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤَيِّرْهُ، وَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَيِّرْهُ، وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ. أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُمْ وَ مِنْ نَظَائِرِهِمْ أَعْتَذِرُ نَدَامَةً يَكُونُ وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِمْ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَ عَزِّمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، تَوْبَةً تُجِيبُ لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ؛ بار خدایا به پیشگاهت عذر خواهم در حق ستم‌دیده‌ای که در حضور من بر او ستم رفته و من یاریش ننمودم، از احسانی که در حقم شده و شکرش را بجا نیاورده‌ام، از بدکننده‌ای که از من پوزش خواسته و عذرش را نپذیرفته‌ام، از فقیری که از من حاجت خواسته و من خواست او را بر خواست خود ترجیح نداده‌ام، از حق‌داری که بر عهده‌ام مانده و آن را ادا ننموده‌ام، از عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و آن را نپوشانده‌ام و از هر معصیتی که برایم پیش آمده و از آن دوری نجستم. بار الهی از همه آنها و از آنچه مانند آنهاست از حضرتت با دل آکنده از پشیمانی عذر می‌خواهم، عذری که مرا در آینده از نظایر آنچه بر من گذشت، بازدارد. پس بر محمد و آلش درود فرست و پشیمانی‌ام را بر لغزش‌هایی که گرفتارشان شده‌ام و تصمیم را بر ترک گناهانی که برایم پیش آیند، توبه‌ای قرار ده که برایم موجب عشق تو گردد، ای دوستدار توبه‌کنندگان» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۸).

همچنین ایشان در فرازی دیگر همه امور را به خداوند واگذار کرده و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ. تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ؛ خدایا! هر بنده‌ای که به پیشگاهت توبه کند، ولی در علم غیب تو معلوم است که شکننده توبه است و بازگشت کرده است به گناه و خطایش؛ من به تو پناه می‌آورم از این که چنین باشم، پس این توبه مرا توبه‌ای قرار ده که پس از آن نیازمند به توبه‌ای نباشم؛ توبه‌ای سبب محو شدن گناهان گذشته و سلامت از گناه در باقی مانده عمر» (همان، دعای ۳۱).

مطالب مذکور نشان می‌دهد که توبه فراتر از یک عمل مذهبی، به عنوان نظامی برای پالایش روانی و تعالی اخلاقی عمل می‌کند که بر اساس رحمت و اسعه الهی استوار است. توبه نه تنها



بازگشت انسان از گناه، بلکه بازگشت خداوند به رحمت خویش نیز هست. این دیدگاه مسئولیت فردی را می‌پذیرد و یأس را از گنهکار سلب می‌کند و او را به رحمت الهی امیدوار می‌سازد. همچنین توبه به عنوان ابزاری برای رشد و کمال انسانی عمل می‌کند و نه تنها گناهان را پاک می‌کند، بلکه خودآگاهی و تزکیه نفس را نیز تقویت می‌نماید و موانع رشد را از میان برمی‌دارد. گستره توبه از فرد تا اجتماع می‌باشد؛ به عبارتی توبه شامل قصور در وظایف اجتماعی و اخلاقی نیز می‌شود که هدف نهایی آن رسیدن به محبت الهی است. شرط بنیادین در توبه، استمرار و استحکام است. این امر نشان‌دهنده نیاز به تصمیم قاطع و تعهد پایدار برای تبدیل توبه به تحول بنیادین در زندگی است.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با بررسی کارکردهای اخلاقی و تربیتی دعا در دو محور نهج البلاغه و صحیفه سجاده، نشان داد که نظام اخلاقی و تربیتی دعا مبتنی بر نهج البلاغه و صحیفه سجاده ساختاری منسجم، چندبعدی و کاربردی برای تحقق کمال انسانی ارائه می‌دهد. در فرازهای مذکور از هریک از این دو متن تأکید شده که هر گونه هدایت بیرونی باید با اصلاح و تزکیه فرد آغاز شود. طبق این آموزه‌ها، الگوی عملی تربیت در فرد و جامعه شکل می‌گیرد و مشخص می‌شود آموزش ارزش‌ها بدون همسویی گفتار و کردار، محکوم به شکست است. همچنین تقوا به عنوان جامع تمام فضائل و مانع تمام رذایل اخلاقی نقش محوری دارد و انسان را حفظ می‌کند. در متن هر دو کتاب، فهرستی از صفات مطلوب اخلاقی و همچنین موانع کمال انسان ارائه شده و بر اهمیت تزکیه مداوم و مستمر تأکید فراوان شده است. این فعل مستمر با دعا و توکل بر خدا تضمین می‌شود و تداوم اطاعت الهی، دوری از بدعت‌ها و موانع کمال و سعادت را به دنبال دارد. از آنجایی که تلاش‌های فردی بدون اتکاء به حول و قوه الهی ناکام خواهد ماند، لذا تأکید بر استعانت الهی و پذیرش محدودیت‌های بشری، نشان‌دهنده ضرورت توکل و درخواست کمک از خداوند در مسیر رشد و کمال است.

در مجموع می‌توان گفت بر اساس آموزه‌های متعالی نهج البلاغه و صحیفه سجاده، اخلاق و تربیت به پیروی از الگوهای عملی پیوند خورده است و تزکیه مستمر و استعانت از قدرت مطلق الهی، انسان را به سمت کمال مطلق هدایت می‌کند و او را در برابر فتنه‌های فکری و انحرافات عملی محافظت می‌نماید. چنین نظام اخلاقی و تربیتی نیازمند تلاش و جهاد مستمر در بعد فردی و اجتماعی است و دستاوردهای عملی بسیاری به دنبال خواهد داشت.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹.
۳. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، قم: آیین دانش، ۱۴۰۲.
۴. ابراهیمی، مهدی، «جلوه‌های عرفانی دعا در صحیفه سجادیه»، فصلنامه اندیشه دینی، س ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۳.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، سیداحمد فهری زنجانی، سیدعلی اصفهانی و مدرس گیلانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۶. ابن فارس، ابوالحسن احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالإحياء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
۸. اسمعیلی، فاطمه: کرمی‌نیا، رضا؛ صرامی فروشانی، غلامرضا، «پیامدهای روان‌شناختی و تربیتی تجربه دعا و مناجات در قرآن»، فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محور سلامت، س ۷، ش ۲، ۱۴۰۲.
۹. افراسیابی، فاطمه؛ مولوی، علی، «نقش دعا در بحران‌های اخلاقی انسان معاصر (با تکیه بر معارف صحیفه سجادیه)»، دوفصلنامه دعاپژوهی، س ۲، ش ۳، ۱۴۰۱.
۱۰. بشیر، حسن؛ مؤذن، کاظم، «الگوی ارتباطی - فرهنگی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی با تأکید بر ادعیه صحیفه سجادیه»، دوفصلنامه دین و ارتباطات، س ۲۱، ش ۴۶، ۱۳۹۳.
۱۱. پژوهنده، علی؛ دروگر، خدیجه، «کارکردهای تربیتی و اجتماعی دین اسلام»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۱۹، ش ۹۶، ص ۸۹، ۱۳۹۲.
۱۲. جلائی نوبری، حسین، «سفارشات تربیتی حضرت امیر علیه السلام به امام حسن علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، س ۴، ش ۱۳، ۱۴۰۱.
۱۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، امام شناسی، تهران: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۱۴. خویی، سیدابوالقاسم، شرح العروه الوثقی للغروی، بی‌جا: مؤسسه إحياء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۸ق.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا، ۱۳۷۹.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۹۵.
۱۷. شبستری، محمود، گلشن راز، کرمان: خدمات فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح هدایت‌اله مسترحمی، علی‌اکبر غفاری، محمدباقر بهبودی، محمدتقی مصباح یزدی، محمدباقر محمودی، ابراهیم میانجی، محمدکاظم میاموی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، عبدالزهرا علوی و یحیی عابدی زنجانی، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق



۱۹. مرزوقی، رحمت‌الله، «انسان و تربیت از منظر صحیفه سجادیه»، فصلنامه اندیشه دینی، س ۵، ش ۱۵، ۱۳۸۴.
۲۰. مشکاتی، حسن، تعلیم و تربیت اسلامی (چیستی؟ چگونه؟)، اصفهان: سلام سپاهان، ۱۳۹۸.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۴.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ آشتیانی، محمدرضا؛ امامی، محمدجعفر؛ الهامی، داود؛ ایمانی، اسدالله؛ حسنی، عبدالرسول و طباطبائی، سیدنورالله، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۲۳. ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، چه باید کرد؟ در مناجات و دعا، ترجمه محمد تحریرچی، تهران: رسالت قلم، ۱۳۶۶.